

# درباره پست مدرنیسم (۶)

## واژگان پست مدرنیسم

مجتبی دهقان بنادکی

نویسنده و پژوهشگر

### گروتسک<sup>[۱]</sup>

گروتسک یکی از پیچیده‌ترین واژه‌هایی است که می‌توان درباره آن بحث کرد. واژه‌ای که در معنای تحت‌اللفظی آن اعجاب‌انگیزی است. اما این بدین معنا نیست که گروتسک در عین تأثیرگذاری واضحش در هنر مدرن از جمله در آثار سوررئالیست‌ها و اکسپرسیونیست‌ها و پست‌مدرنیست‌ها ریشه‌ای در عمق تاریخ نداشته باشد. به عقیده لوتر آدامز گروتسک ریشه در الهیات مسیحی دارد که کیرکه گارد<sup>[۲]</sup> آن را اینگونه توصیف می‌کند: «فرد همیشه در برابر خدا گنه کار است». در واقع وی اعتقاد دارد که آگاهی صادقانه ما از تزلزل و آسیب‌پذیر بودن در برابر شیطان است که ایمان را به بار می‌آورد. برای مثال تصویری که بارها و بارها هنرمندان مختلف از به صلیب کشیده شدن مسیح ارائه کرده‌اند، مسیحی که از بالای جسم نذارش خون می‌چکد و در دستان و پاهایش میخ فرو رفته است و نیمه‌عریان رها شده است، ماهیتی دوگانه دارد. مسیح به عنوان پیامبری الهی فارغ از تن، مسیحی با جسمانیت انسانی که نتوانسته است تقدیرش را فرا از تن رقم بزند. مسیح پیامبر خدا که نماد نشانه‌ای از حقیقت و زیبایی است و مسیحی که غرق در خون به شکل نازیبایی به تصویر درآمده است و تنی عریان و برهنه و خالی از هر گونه زیبایی دارد و البته با تاجی از خار بر سر. پس در پشت این تصویر هر آن چیزی است که

1- Grottesque

۲- سورن کی‌یرکگارد (به دانمارکی: Søren Kierkegaard) (۱۸۱۳ - ۱۸۵۵)، فیلسوف مسیحی دانمارکی، کسی که با وجود، انتخاب، و تعهد یا سرسپردگی فرد سروکار داشت و اساساً بر الهیات جدید و فلسفه، به خصوص فلسفه وجودی (اگزیستانسیالیسم) تأثیر گذاشت. به او لقب پدر اگزیستانسیالیسم داده‌اند.



زیبایی را در کنار زشتی، جسم را در کنار روح، گناه را در کنار رستگاری و... می‌نشانند. در واقع این تصور که مسیح با تصلیب خود کفاره گناهان بشر را داده است از همین جا آغاز می‌شود. اما برای یافتن پاسخ که چگونه مسیحیت به مرور زمان عناصر متضاد را در کنار هم را، در برابر هم نشانند باید به نیچه و بعد دریدا مراجعه کرد. نیچه در بخشی از کتاب غروب بتان<sup>[۱۳]</sup> با عنوان چگونه جهان واقعی تبدیل به اسطوره شد می‌گوید: ما جهان واقعی را نابود کردیم: کدام جهان باقی مانده است؟ شاید جهان ظاهری؟... اما نه! ما همراه جهان واقعی جهان ظاهری را نیز نابود کرده‌ایم (مک آیور لیس، ۱۳۸۹:۶۰). نیچه معتقد است فلسفه به‌ویژه بعد از «مثل افلاطونی» که بعدها مسیحیت کلیسایی به آن یاری می‌رساند، اسطوره جدید می‌سازد که به آنچه دریدا آن را «متافیزیک حضور» می‌نامد، نزدیک است. اسطوره‌ای که به یاری تمدن نظام‌های اخلاقی‌ای را می‌سازد و با فشار و اضطراب بروز می‌کند و هر اخلاقی متضمن قاعده‌مند کردن رفتار از طریق منع، غریزه‌ها است. و در مرحله نازل‌تر آن‌ها را در نظام‌های اخلاق اشرافی جای می‌دهد (همان: ۶۲). در واقع نیچه سرکوب را به‌وسیله مسیحیت اینگونه توجیه می‌کند که مسیحیت کل نظام رمزآلود رستگاری را به تحمل درد و رنج تفسیر کرده با طرح ملکوت الهی (که نیچه آن را در راستای عالم مثل افلاطونی می‌داند) و پاداشی که با رنج بیشتر در این دنیا، پاداش بیشتری را در جهانی دیگر نصیب انسان می‌سازد، جهانی فرا دست و بی‌کم و کاست که در آن یک دستی جهان خود را در قوالب عناصر خیر و شر سامان می‌دهد. پس در این جهان خیر و شر نسبت به هم بی‌ربط و تمام عناصری که ذیل آن قرار می‌گیرند در دو دسته برتر و پست، زشت و زیبا، مرد و زن، انسان و حیوان و... جای گرفتند.

ولی گروتسک مربوط به جهانی است که در آن تضاد در کنار هم و نه در برابر هم قرار می‌گیرند. گروتسک و هنر گروتسک مربوط به آن اثر هنری و یا اتفاق اجتماعی است که ذاتاً ماهیتش وابسته به عناصر متضاد است و بدون این تضاد آن اثر هنری و یا اتفاق اجتماعی از ماهیت خود خالی شود. گروتسک پدیده‌ای است دو گانه، یعنی ساختاری است که ترکیبی از افکار متضاد را در خود نهفته دارد (مک‌کریک، ۱۳۸۴:۴۱).

### تاریخچه مفهوم گروتسک

واژه گروتسک با کشف برخی تصاویر غیرعادی در راهروهای زیرزمینی استخر تیتوس<sup>[۱۴]</sup> و خرابه‌های کاخ طلایی نرو<sup>[۱۵]</sup> وارد فرهنگ لغت انسانی شد. حفاری از خرابه‌های این کاخ - که پس از مرگ نرو به سال ۶۸ میلادی نابود شد- حدود سال ۱۴۸۰ انجام گرفت و اغلب آثار کشف شده متعلق به فامولوس یا بنا به قول دیگر فابولوس است که به سبک مورد استفاده در آن به رومیان باستان بازمی‌گردد و قدمتش به ۱۰۰ سال قبل از میلاد مسیح می‌رسد. طرح‌های روی دیوار و سقف‌ها که به سبک فرسک و گچ اندود هستند معمولاً شامل تصاویری از جانوران مرکب از بدن حیوان، بال‌های پرنده مانند، دمی شبیه به ماهیان یا شکل‌های انسانی هستند که با استفاده از الگوهای برگ مانند و پیچ در پیچ گویبی یک زندگی نباتی را دنبال می‌کنند. همچنین تصاویر افسانه‌ای مانند قنطوروس، فان‌ها<sup>[۱۶]</sup> و دیوها<sup>[۱۷]</sup> نیز در این آثار به چشم می‌خورند و از این تصاویر به عنوان قاب‌هایی برای فضاهای سفید یا پیرامون مناظر یا هیأت‌های انسانی به سبک کلاسیک استفاده می‌شده است. از آنجا که این تصاویر در دالان‌های دفن شده تالارهای قصر و بعدها در دیگر محل‌های باقی‌مانده از رومیان مانند پمپی کشف شدند، آن‌ها را به‌عنوان

دیوارنگارهای غارها یا گروتو<sup>[۱۸]</sup> می‌شناختند. در همین رابطه اولین واژه‌ای که استفاده رایج به خود گرفت گروتسکه<sup>[۱۹]</sup> بود. جفری هارفام معتقد است عبارت لاتین گروتو احتمالاً کروپتا به معنای غار یا سرداب است که مشتق شده از واژه یونانی برای زیرزمین یا طاق است. بدین شکل گروتسک نشان‌دهنده نوعی راز پنهان شده در اعماق زمین است. فرانس باراش می‌گوید این واژه در یک قرار داد در سال ۱۵۰۲ آمده است که طبق آن کتابخانه پیکولومینی متعلق کلیسای سی‌ینا می‌بایست با سبک نئو گروتسک نقاشی می‌شده است. کایزر در یکی از نتیجه‌گیری‌هایش به رابطه گروتسک با مذهب به‌واسطه خصلت مفهومی آن اشاره می‌کند. او معتقد است ESQUE نمایانگر نوعی دخالت و مشارکت در ذاتی روحانی است و جدا از قلمرو نام‌های کامل ESQUE و ESCO و همچنین ISCH خود را تنها به نام‌هایی الحاق می‌کند که در آن ذاتی معنوی وجود دارد (لوتر ادمز، ۱۳۸۹).

در مقالات بعدی به روشن کردن بیشتر مفهوم گروتسک در سایه نظریه‌پردازی چون باختین<sup>[۱۱]</sup>، اوا کوریلوک<sup>[۱۱]</sup>، جفری هارفام<sup>[۱۳]</sup> و ولفگانگ آیزر<sup>[۱۳]</sup> خواهیم پرداخت. ■

#### منابع

- ۱- جیمز لوتر ادمز، گروتسک در هنر و ادبیات، ترجمه آتوسا راستی، نشر قطره، ۱۳۸۹.
- ۲- ایرناریما مک‌کریک؛ مترجم: مه‌مان مهاجر؛ مترجم: محمد نبوی، نشر آک، ۱۳۸۴.
- ۳- ناصر غمائی، دانستنی‌های ادبیات گروتسک، نشر آمو، ۱۳۸۴.
- ۴- فلیپ تامسون، گروتسک در ادبیات، غلامرضا امامی، انتشارات نوید شیراز، ۱۳۸۳.
- ۵- محمد جعفر پوینده، در آمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات، انتشارات نقش جهان، ۱۳۷۷.
- ۶- علی اصغر قرزه باغی، تبارشناسی پست مدرنیسم، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰.
- ۷- بریس گات، دومینیک مک آیور لویس (۱۳۸۴)، دانشنامه زیبایی‌شناسی، گروه مترجمان، سر ویراستار مشیت علایی، انتشارات فرهنگستان هنر.
- ۸- مایکل کلی، دایرةالمعارف زیبایی‌شناسی، گروه مترجمین، مرکز مطالعات و تحقیقات هنری، تهران.

8- Grottoes

9- Grottesche

10- Mikhail Bakhtin

11- Eva Kuryluk

12- Geoffrey Harpham

13- Wolfgang Iser

3- Twilight of the Idols

4- Titus

5- Nero

۶- رب النوع کشتزار

۷- نیمه خدایی با سر و سینه و انسان و دو شاخ و دو پای بز